



محمد مهدی فجری

اشاره

مطلوب ذاتی و هدف اصلی انسان است. این خواسته در دوران نشاط و سرزندگی، یعنی جوانی به اوج خود می‌رسد و او را به حرکت و تلاش وادار می‌سازد. در این میان، برخی به خواسته و مقصود خود می‌رسند و برخی خود را شکست خورده و دنیا را پایان پذیرفته می‌پندارند.

به راستی چرا برخی، کوچک‌ترین شکست در زندگی را مساوی با نابودی دانسته و بزرگ‌ترین موفقیتها را به خاطر کوچک‌ترین مشکل یا شکست نادیده می‌انگارند؟ همین توهم بی‌جاست که گروهی

یکی از مباحث قابل طرح در مدارس، مخصوصاً دبیرستانها، بحث از خودباوری است که با توجه به شرایط سنی دانش‌آموزان، می‌تواند بسیاری از مشکلات آنان را برطرف نماید. این مقاله با همکاری دفتر همکاری حوزه و آموزش و پرورش تهیه شده است.

خودپذیری (خودباوری)

آدمی پیوسته در پی تأمین سعادت خویش است و برای رسیدن به آن، به هر تلاشی دست می‌زند. به تعبیر دیگر، رسیدن به کمال و موفقیت،

شده است؛ جزء اول، کارآمدی شخصی می‌باشد که عبارتست از اعتماد داشتن به تواناییهایمان برای اندیشیدن، یاد گرفتن، انتخاب کردن و اتخاذ تصمیمهای مناسب و جزء دوم عزت نفس است و اعتماد به اینکه دستیابی به اهداف، موفقیت، دوستی، احترام، عشق و انجام موفقیت‌آمیز امور در شأن ماست.

اولین فایده این شناسایی آن است که هر فرد خود را آماده می‌سازد تا با پستی و بلندیهای زندگی روبه‌رو شده، بر مشکلات آن پیروز شود. این اولین قدم برای خود باوری و خود پذیری است.

فایده دیگر، تشخیص هدف و شناخت استعدادهای خداداد است و شناسایی هدف با در نظر گرفتن استعداد هر فرد صورت می‌گیرد؛ چرا که هر کسی برای کاری آفریده شده است و عدم این شناخت، مهم‌ترین عامل برای عدم خود باوری و مساوی با شکست است.

۱. خودباوری زنان، ناتانل براندن، ترجمه مینو سلسله، ص ۱۸، نشر فرا، چاپ چهارم، ۱۳۷۹.

از جوانان را از تلاش برای رسیدن به قله‌های بلند موفقیت و کامیابی باز می‌دارد و باعث می‌شود فرصت جوانی را به راحتی از دست بدهند. برخی از آنها مایوس از زندگی، عدم قبولی در کنکور را بهانه می‌کنند، برخی جواب منفی ازدواج را سبب شکست می‌دانند، برخی عدم شغل مناسب را عامل ناامیدی نسبت به آینده معرفی می‌کنند و برخی فقر، بیماری و... را دلیل عقب افتادن از مسیر تلاش و حرکت ذکر می‌کنند. اما توجه به یک نکته می‌تواند آنها را به تحرک درآورد و در مسیر پیروزی کمک کند و آن نکته، درک مفهوم واقعی زندگی است؛ چرا که بسیاری از خودکشیها، شکستها، بیماریها و... معلول عدم آشنایی با این واقعیت است. آگاهی از مسیر واقعی زندگی موجب خودباوری و در نتیجه اعتماد به نفس و مبارزه با همه شکستها می‌شود.

خودباوری عبارتست از تمایل به اینکه خود را فردی شایسته مواجهه با چالشهای اساسی زندگی بدانیم.^۱ بنابراین خودباوری از دو جزء تشکیل

آگاهی از مسیر واقعی زندگی موجب خودباوری و در نتیجه اعتماد به نفس و مبارزه با همه شکستها می شود

و فایده دیگر آنکه شناخت استعداد و ظرفیت هر فرد و حرکت در مسیر آن، راه رسیدن به آرزوها و لازمه اعتماد به نفس و عزت نفس است؛ زیرا هر موفقیتی به نوبه خود عزت نفس را افزایش می دهد و به زیاد شدن اعتماد به نفس کمک می کند.

با ذکر این سه نکته، لازم است عوامل رشد استعدادها را با هدف رضایت‌مندی جوان و نوجوان بشناسانیم و در جمعهای کوچک و بزرگ به آن اشاره نموده، آنها را به آینده‌ای روشن راهنمایی کنیم.

عوامل رشد استعداد

برای رشد و شکوفایی استعدادها و رسیدن به خود باوری راهکارهای مختلفی وجود دارد که برخی از آنها

عبارت است از:

۱. تفکر

اندیشه و تعقل اصلی ترین تکیه گاه اسلام در مسائل عقیدتی است. از نظر اسلام عقل، اصل انسان، معیار ارزش و درجات کمال او، ملاک ارزیابی اعمال او و میزان جزا و حجت باطنی خداوند متعال است.

بنابراین، مرز بین انسان و سایر حیوانات عقل است و «فکر» که همان به کارگیری نیروی عقلانی است، حد فاصل بین دو صنف از انسانهاست و در حقیقت آدمیان از این زاویه بر دو قسم اند: ۱. متفکران؛ ۲. کسانی که این ابزار و سرمایه خدا دادی را مهممل گذاشته اند.

متفکران نیز بر دو گونه اند:

دسته اول، کسانی که فکر را در مسیر صحیح هدایت می کنند و از به کارگیری آن در جهت باطل پرهیز می کنند.

دسته دوم، آنهایی که از این ابزار برای پیشبرد آمال شیطانی خویش بهره می برند.

قرآن کریم و روایات ائمه

میوه پیروزی را چیده‌اند و به سروری رسیده‌اند. نهام بیتر می‌گوید: «شکستهای زندگی، و نه پیروزیهای آن، مردان توانا را به وجود آورده و می‌آورد.»^۲

نکته قابل تأمل این است که در فضای فعلی، بزرگ‌نمایی موفقیتها و عدم پرداختن به ضعفها باعث شده است تا جوان و نوجوان این‌گونه فکر کنند که هر انسان موفقی بدون هیچ ضعف یا شکستی، به آن رتبه رسیده است؛ در حالی که زندگی اکثر مشاهیر و علما مجموعه‌ای از کمبودها، شکستها و فراز و نشیبا بوده است.

عرصه‌های سالم تفکر

بسیاری از جوانان و نوجوانان تفکر را به عنوان مهم‌ترین عامل رشد استعداد و ترقی خویش پذیرفته‌اند؛ اما اینکه تفکر در چه موضوعاتی آنها را به رشد و کمال می‌رساند، وظیفه‌ای است

معصومین علیهم‌السلام بر تفکر در مسیر صحیح و سالم سفارش نموده و آنرا مایه هدایت دانسته‌اند؛ زیرا این فکر صحیح بوده که انسان را تعالی داده، تمدنها را ساخته و جامعه بشری را در ابعاد مختلف به پیش برده است.

حضرت علی علیه‌السلام درباره اهمیت تفکر می‌فرماید: «أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ الْفِكْرُ؛^۱ تفکر بهترین عبادت است.»

اساسی‌ترین درس برای انسان این است که بدانند بر خلاف بزرگ‌ترین منابع روی زمین که در اثر بهره برداری دچار کمبود و یا زوال می‌گردند، منبع سرشار تفکر در انسان، هرچه بیشتر از آن استفاده شود،

قوی‌تر و زیادتر می‌شود. پژوهش‌گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی یکی از عوامل خودپذیری، تفکر و بررسی نقاط قوت و ضعف انسان است. نتیجه این بررسی دو چیز خواهد بود:

الف. توبه و پشیمانی از اعمال بد گذشته.

ب. پذیرفتن اینکه موفقیت و شکست، جزئی از زندگی انسان است. مردان کامیاب غالباً از شکست،

۱. غرر الحکم، محمدتمیمی آمدی، تصحیح و ترجمه میرجلال الدین حسینی، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۳، ج ۲، ص ۳۸۱.
۲. راز کامیابی مردان بزرگ، مهرداد مهرین، مؤسسه مطبوعاتی عطایی، تهران، ۱۳۴۶، ص ۸۷.

یکی از عوامل خودپذیری، تفکر و بررسی نقاط قوت و ضعف انسان است

قوه تفکر آفریده شده و خداوند بارها این آفریده خود را مورد تکریم قرار داده است؛ چنان که می فرماید: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا»^۱؛ «ما آدمیزادگان را گرامی داشتیم و آنها را در خشکی و دریا [بر مرکبهای راهوار] حمل کردیم و از انواع روزیهای پاکیزه به آنان روزی دادیم و آنها را بر بسیاری از موجوداتی که خلق کرده ایم، برتری بخشیدیم.»

امام صادق علیه السلام نیز در جواب سؤال عبد الله بن سنان که پرسید: «الْمَلَائِكَةُ أَفْضَلُ أَمْ بَنُو آدَمَ؟ ملائکه برتر هستند یا بنی آدم؟» فرمود: «قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ علیه السلام إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ

كَه بر عهده مبلغین، مربیان و والدین گذاشته شده است. اگر جوان به تفکر در موضوعاتی همچون نفس، ارزشمندی انسان، سرای دیگر، تاریخ، حالات گذشتگان و... راهنمایی شود، به یقین خود را باور کرده و به حرکت وادار خواهد شد. حضرت علی علیه السلام درباره تفکر در نفس می فرماید: «أَفْضَلُ الْعَقْلِ مَعْرِفَةُ الْإِنْسَانِ نَفْسَهُ فَمَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ عَقِلَ وَمَنْ جَهِلَهَا ضَلَّ»^۱ برترین خرد، خودشناسی انسان است، پس هر که خود را شناخت خردمند شد و هر که خود را نشناخت، گمراه گشت.»

و نیز می فرماید:

«مَنْ عَرَفَ قَدَرَ نَفْسِهِ لَمْ يُهِنِّهَا بِالسَّالِفَاتِ؛ کسی که ارزش خود را بشناسد، خویشتن را با امور فناپذیر، خوار نگرداند.»

طبق این حدیث شریف کسانی که ارزش خود را دریابند، به سهولت آن را از دست نمی دهند و عمر خویش را در مسیر صحیح به کار می گیرند و یکی از راههای شناخت ارزش خود، تفکر پیرامون خود است.

تفکر پیرامون خود

انسان تنها موجودی است که با

۱. غرر الحکم، ج ۲، ص ۴۴۲.

۲. همان، ج ۵، ص ۳۳۵.

۳. اسراء / ۷۰.

اندیشیدن بر هفتاد سال عبادت تأکید نموده‌اند؛ چرا که اگر انسان ساعتی پیرامون خود و داشته‌هایی که خداوند متعال در اختیار او قرار داده است، تفکر نماید، متوجه عنایت الهی می‌شود و به نعمتهای وجودی خود پی خواهد برد؛ نعمتهایی همانند:

الف. نعمت عاطفی

محبت، دوست داشتن، ولایت اهل بیت علیهم‌السلام و... از جمله نعمتهای عاطفی است. رسول مکرّم اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود:

«مَنْ أَحَبَّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ فَلْيَحْمَدِ اللَّهَ عَلَيَّ
أَوَّلَ النَّعْمِ قَبْلَ وَمَا أَوَّلَ النَّعْمِ قَالَ طَيْبُ الْوِلَادَةِ
وَلَا يُحِبُّنَا إِلَّا مَنْ طَابَتْ وِلَادَتُهُ؛^۲ هر که ما
خاندان را دوست داشته باشد، باید خدا
را بر نخستین نعمت سپاس گوید.
عرض شد: نخستین نعمتها چیست؟
فرمود: پاکی ولادت (حلال‌زادگی)؛ ما
را جز کسانی که ولادتی پاکیزه داشته
باشند دوست ندارند.»

جَلَّ رَكَبٌ فِي الْمَلَائِكَةِ عَقْلًا بِلَا شَهْوَةٍ وَرَكَبٌ فِي الْبَهَائِمِ شَهْوَةٌ بِلَا عَقْلِ وَرَكَبٌ فِي بَنِي آدَمَ كِلْتَيْهِمَا فَمَنْ غَلَبَ عَقْلُهُ شَهْوَتَهُ فَهُوَ خَيْرٌ مِّنَ الْمَلَائِكَةِ وَمَنْ غَلَبَ شَهْوَتَهُ عَقْلُهُ فَهُوَ شَرٌّ مِّنَ الْبَهَائِمِ؛^۱ امیر مؤمنان علی بن ابی طالب علیه‌السلام فرمود: خداوند عز و جل در ملائکه عقل بدون شهوت را قرار داد و در بهائم شهوت بدون عقل را، و در بنی آدم ترکیبی از عقل و شهوت را مقرر داشت. پس هر کس عقلش بر شهوتش غلبه کند، بهتر از ملائکه است و هر که شهوتش بر عقلش غلبه یابد، پس او از حیوانات پست‌تر است.»

تعقل و تفکر پیرامون خود یا خودشناسی، ریشه در الهامات اخلاقی دارد که اسلام تکیه فراوانی بر آن نموده است. بر همین اساس، وقتی می‌خواهند انسان را به ارزشهای عالی سوق دهند، او را به یک درون‌نگری متوجه می‌کنند که خودت - که همان حقیقت وجودی هر فرد است - را با این نگرش کشف کن تا شرافت حقیقی خود را پیدا کنی!

تفکر در انواع نعمتها

قرآن مجید و ائمه اطهار علیهم‌السلام بارها بر ارزش تفکر و گاه بر تری یک ساعت

۱. بحار الانوار، علامه محمدتقی مجلسی، بیروت، دار احیاء التراث، ج ۵۷، ص ۲۹۹، ح ۵.
۲. مشکاة الانوار، علامه طبرسی، قم، دار الکتب الاسلامیه، ص ۸۱

ب. نعمت معنوی

پرستش، تقوا، شرافت و... از جمله نعمتهایی است که هر کس به آن دست نمی‌یابد. بسیاری از افراد هستند که به خاطر نداشتن این نعمت، در زندان روح گرفتار شده‌اند که به مراتب وحشتناک‌تر از زندان تن است.

ج. نعمت روانی

عزت نفس، اعتماد به نفس، مثبت‌اندیشی، واقع‌بینی و... نعمتهای بزرگی است که انسان زمانی به ارزش آنها پی می‌برد که یا درباره آن تفکر کند و یا زندگی افرادی را که از این نعمت محروم‌اند، به نظاره بنشیند. بسیار دیده شده است که افرادی با حداکثر ثروت و امکانات، به خاطر نداشتن عزت نفس یا مثبت‌اندیشی، هیچ‌گونه آسایش روحی نداشته و گاه در جامعه خوار و ذلیل بوده‌اند و در مقابل، افرادی با کم‌ترین امکانات، آبرومندانه و سعادتمند زندگی خوشی را گذرانده‌اند.

د. نعمت فکری

قدرت تفکر و تعقل نیز نعمت

اضطراب، هیجان بیش از حد، محبت بی‌جا، ترس، درد، گرسنگی، تشنگی و هر چیزی که آرامش انسان را بر هم بزند، مانع تفکر است و به همین دلیل، دشمنان در صدد القای هیجان و اضطراب، به خصوص در نسل جوان هستند

و نیز فرمود: «مَنْ رَزَقَهُ اللَّهُ حُبَّ الْأَيْمَةِ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي فَقَدْ أَصَابَ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ فَلَا يَسْكُنُ أَحَدٌ أَنَّهُ فِي الْجَنَّةِ فَإِنَّ فِي حُبِّ أَهْلِ بَيْتِي عِشْرِينَ خَصْلَةً عَشْرٌ فِي الدُّنْيَا وَعَشْرٌ فِي الْآخِرَةِ؛^۱ هر کس که خداوند محبت امامان از خاندان مرا روزیش فرماید، به خیر دنیا و آخرت دست یافت. و احدی شک نداشته باشد که او بهشتی است؛ دوست داشتن خاندان من بیست فایده دارد که ده فایده در دنیا و ده فایده در آخرت است.»

۱. همان.

می فرماید:

«أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّهُ لَا يَسْتَعْنِي الرَّجُلُ وَإِنْ كَانَ ذَا مَالٍ عَنْ عَشِيرَتِهِ؛^۲ انسان هیچ‌گاه از خاندانش بی‌نیاز نمی‌شود، اگر چه ثروتمند باشد.»

ز. نعمت شخصیت اجتماعی

اعتبار، آبرو، شخصیت اجتماعی و... از نعمتهایی است که دارا بودن آن ارزشمند و غیر قابل اغماض است. رسول خدا ﷺ فرمود:

«إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى لَيَسْأَلُ الْعَبْدَ فِي جَاهِهِ كَمَا يَسْأَلُ فِي مَالِهِ فَيَقُولُ يَا عَبْدِي رَزَقْتُكَ جَاهاً فَهَلْ أَعْنَتَ بِهِ مَظْلُوماً أَوْ أَعْثتَ بِهِ مَلْهُوماً؛^۳ همان‌گونه که خداوند درباره دارایی بسنده سؤال می‌کند، درباره مقام و موقعیتش نیز سؤال می‌کند و می‌فرماید: بنده من! من به تو مقام و موقعیت روزی کردم، آیا به وسیله آن ستم‌دیده‌ای را یاری رساندی یا غمزده‌ای را کمک کردی؟»

بزرگی است که نداشتن آن، مشکلات فراوانی پیش روی شخص و دیگران قرار داده است. اصولاً اشخاصی خودباخته و مأیوس از زندگی هستند که نتوانسته‌اند از این نعمت خدا دادی به خوبی استفاده نمایند و در نتیجه، احساس یأس و نومیدی و بیهودگی، سراسر وجود آنان را احاطه نموده است.

حضرت علی عليه السلام درباره نعمت عقل می‌فرماید: «لَا مَالٌ أَعُوذُ مِنَ الْعَقْلِ؛^۱ هیچ مالی سودمندتر از عقل نیست.»

ه. نعمت جسمی

توانایی جسمانی، حافظه، چشم و گوش و... نعمتهایی است که محروم بودن از هر کدام، انسان را با مشکلات عدیده مواجه می‌کند. در صورتی که انسان به اهمیت هر یک از این داریها واقف گردد، هیچ‌گاه خود را مأیوس و ناامید نخواهد یافت.

و. نعمت خانوادگی

به یقین داشتن والدین مسلمان، شیعه، با اصالت، دارای صفات اخلاقی و... نعمتی است که با هیچ مالی قابل معاوضه نیست؛ چنان‌که مولی علی عليه السلام

۱. غرر الحکم، ج ۶، ص ۳۸۷.

۲. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، بیروت، دار احیاء التراث، ج ۱، ص ۳۱۲.

۳. مستدرک الوسائل، میرزا حسین نوری، قم، مؤسسه آل‌البت عليه السلام، چاپ اول، ج ۱۲، ص ۴۲۹.

ح. نعمت ارتباطی

بهره‌مندی از آداب معاشرت، توانمندی در برقراری ارتباط با دیگران و... از نعمتهای بزرگ دیگری است که هر کسی آن را دارا نمی‌باشد و بسیاری از نداشتن آن در رنج و ناراحتی هستند. دارا بودن این نعمت الهی باعث زیادی دوستان، دوام رفاقتها و ازدیاد محبت شخص در قلوب مؤمنین می‌شود. حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «حَسُنَ الصُّحْبَةُ يَزِيدُ فِي مَحَبَّةِ الْقُلُوبِ!» معاشرت خوب باعث ازدیاد محبت در قلبها می‌شود. اگر جوان و نوجوان به این مرحله برسد که دارایی و نعمت را فقط در پول نبیند و به اهمیت داراییها و نعمتهای بالا پی ببرد، هیچ‌گاه دچار خودباختگی نخواهد شد. جوانی که خصوصیات ویژه انسانی را درک کرده، انرژی و استعداد خود را شناخته و باور کرده که از حیث مغز و فکر با دیگر اندیشمندان و متفکران و نوابغ فرقی ندارد، چنان که انیشتین بر آن تأکید دارد که: «مغز من همانند مغز دیگران است و فقط دقت

من بیشتر است.» به این نتیجه خواهد رسید که من هم می‌توانم. اگر این حس در نوجوان و جوان شکوفا شود، پیشرفتها را طبیعی و اشکالات را از جانب خود خواهد دانست و درصدد رفع آنها بر خواهد آمد.

موانع تفکر

چنانکه گذشت، یکی از راههای رشد استعداد، تفکر است و هر مانعی که در مسیر تفکر قرار گیرد، در رشد استعداد و حس خودباوری تأثیر خواهد گذاشت. آنچه می‌توان به عنوان موانع تفکر ذکر کرد، عبارت است از:

الف. شکستن قانون طبیعت

دو قانون طبیعی در اعضا موجودات زنده وجود دارد:

- یک. هر عضوی برای شکوفایی نیاز به کار و تلاش دارد.
- دو. هر عضوی که تلاش نکند، تغذیه نخواهد شد و در نتیجه از کار خواهد افتاد.

دچار یأس و نومیدی می‌شوند و گاه گوشه‌گیری و خودکشی را تنها راه جبران آن می‌دانند.

پس توجه به این نکته ضروری است که انسان برای زندگی سالم به امور مختلفی نیازمند است و توجه افراطی به هر یک، مانع تفکر صحیح خواهد شد.

ج. موانع روانی

بسیاری از مسائلی که در روان انسان تأثیرگذار است، جزء موانع تفکر نیز محسوب می‌شود.

اضطراب، هیجان بیش از حد، محبت بی‌جا، ترس، درد، گرسنگی، تشنگی و هر چیزی که آرامش انسان را بر هم بزند، مانع تفکر است و به همین دلیل، دشمنان در صدد القای هیجان و اضطراب، به خصوص در نسل جوان هستند تا قوه تفکر را از آنها بگیرند.

دین مسیحا اسلام تقوا و پرهیزگاری را در مقابل موانع تفکر، معرفی می‌کند؛ چنان که قرآن مجید می‌فرماید: «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ»^۱ «هر کس

یعنی همان‌گونه که عدم تحرک دست یا پا در مدت طولانی باعث از کار افتادگی آنها می‌شود، انسان برای رشد و شکوفایی قدرت تفکر نیز به کار و تلاش نیاز دارد و چنانچه به طور صحیح از نیروی فکری استفاده نشود، کارایی خویش را از دست می‌دهد و استفاده مجدد از آن نیازمند تمرین و ممارست خواهد بود.

ب. یک‌سو نگری

اگر انسان در هر مسئله‌ای مبنای کار و تلاش و فکر خود را به یک سمت و سو متوجه سازد، نخواهد توانست در جوانب دیگر آن مسئله تفکر کند و راه درست را تشخیص دهد. به عبارت دیگر، اگر جوان و نوجوان جامع‌نگری را به عنوان یک اصل درک نکرده باشد، در انتخاب راه درست دچار مشکل خواهد شد و پیمودن راه غیر صحیح او را دچار یأس و نومیدی خواهد کرد. چنان که برخی به علت اینکه فکر می‌کنند فقط قبولی در کنکور یا جواب مثبت یک معشوق رمز و راز موفقیت آنهاست، غیر آن را شکستی بزرگ و خسارتی غیر قابل جبران می‌دانند و

۱. طلاق/ ۲-۳.

خودپذیری، روش مقایسه است. با بررسی این روش به این نتیجه می‌رسیم که اگرچه برخی مقایسه‌ها به خودباوری لطمه زده، موجب یأس و نومیدی در جوان و نوجوان می‌شود، اما مقایسه صحیح با پیروی از سخنان معصومین علیهم‌السلام انسان را به خودباوری و دوری از روحیه شکست‌پذیری هدایت می‌کند.

خداوند متعال در مورد عدم مقایسه در امور دنیوی به پیامبرش می‌فرماید: «لَا تَمُدَّنْ عَيْنَكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَخَفِضْ جَنَاحَكَ لِلْمُؤْمِنِينَ»^۱ «هرگز چشم خود را به نعمتهای [مادی] که به گروه‌هایی از آنها دادیم، می‌فکن و به خاطر آنچه آنها دارند، غمگین مباش و بال [عطوفت] خود را برای مؤمنین فرود آر!»

امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: «بِأَيِّ حَمْرَانٍ أَنْظَرَ إِلَىٰ مَنْ هُوَ دُونَكَ فِي الْمَقْدَرَةِ وَلَا تَنْظُرْ إِلَىٰ مَنْ هُوَ فَوْقَكَ فِي الْمَقْدَرَةِ»^۲ ای

تقوای الهی پیشه کند، خداوند راه نجاتی برای او فراهم می‌کند و او را از جایی که گمان نمی‌کند، روزی می‌دهد.»

انسان خواه ناخواه در طول زندگی به فتنه‌ها، گرفتاریها، نیرنگها، تاریکیها و ابهامهایی مبتلا می‌شود که اگر بخواهد خداوند به او کمک کند و او را از سرگردانیها و تنگناها نجات دهد، باید تقوا پیشه کند.

انسان با تقوا آنجا که باید با فکر خودش راهی را انتخاب کند، خداوند متعال او را یاری می‌کند تا راه درست را ببیند و آن را ببیماید؛ در حالی که گاهی می‌بینیم مسائلی گیج‌کننده و حیرت‌انگیز برای مردم پیش می‌آید، به طوری که حتی آنان که دارای فکر قوی و هوش سرشار می‌باشند، راه خلاصی از آن گرفتاریها را نمی‌یابند و در مقابل، کسانی که از هوش فوق‌العاده‌ای برخوردار نیستند، با یاری خداوند راه سلامت را می‌یابند.

۲. مقایسه صحیح

یکی دیگر از راههای رشد و بالندگی استعدادها و رسیدن به

۱. حجر / ۸۸

۲. الکافی، ابن اسحاق کلینی، بیروت، دار التعارف، چاپ سوم، ج ۸، ص ۲۴۴.

گیرد، چنان که مقایسه خویش با اشخاصی که با کم‌ترین امکانات و سخت‌ترین شرایط، راه تحصیل و تکامل را پیموده‌اند و با انواع شکستها دست و پنجه نرم کرده‌اند، انسان را به رشد و تکامل رهنمون خواهد کرد و مهم‌ترین عامل در خودباوری خواهد بود. در اینجا است که نقش الگوها و معرفی اشخاصی که از نقطه صفر از لحاظ مادی یا جسمی و... به بالاترین مرتبه رسیده‌اند، جایگاه خاصی پیدا کرده، نقش مؤثری در خودباوری جوانان ایفا می‌کند.



۱. بحار الانوار، ج ۷۰، ص ۸۹

حمران! [در دخل و خرج زندگی] به آنکه در توانایی پایین‌تر از توست، نگاه کن و به بالا دست خود از نظر توانایی نگاه نیفکن!» بنابراین، مقایسه خویش با وضع مادی دیگران، مایه انحطاط و یکی از عوامل مؤثر عقب ماندگی در زندگی مادی و معنوی می‌باشد. رسول مکرّم اسلام ﷺ می‌فرماید:

«مَنْ رَمَى بِبَصَرِهِ إِلَى مَا فِي يَدَيْ غَيْرِهِ كَثُرَ هَمُّهُ وَلَمْ يَشْفِ غَيْظُهُ؛ کسی که چشم خود را به آنچه در دست دیگران است، بدوزد، غم و اندوهش زیاد می‌شود و خشم [در دل] او فرو نخواهد نشست.»

برخی از افراد به خاطر مقایسه خود با دیگران، دچار خودباختگی و یأس می‌شوند؛ چرا که خود را در مقابل آنها کم حافظه و کم استعداد تلقی می‌کنند و یا بر مال و ثروت و شغل و مدرک دیگران غبطه می‌خورند و با همین طرز فکر زندگی را تلخ و راه ترقی و پیشرفت را بر خود می‌بندند.

بنابراین، مقایسه‌ای انسان را به رشد و نبوغ واداشته، به خودباوری می‌رساند که در مسیر صحیح قرار